

جایگاه مسائل مستحدثه در فقه اسلامی

علی طهماسبی^۱

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

علی طهماسبی

Ali.thm7770@yahoo.com

چکیده

شریعت مقدس اسلامی بعنوان آخرین و کاملترین شریعت الهی عهده‌دار هدایت بشر به سوی فلاح و رستگاری است. جهان شمولی و جاودانگی این شریعت آسمانی اقتضا می‌کند که دارای قوانین مترقی و حیات بخشی باشد تا بتواند در هر عصر و زمان زمینه رسیدن انسان‌ها به سعادت دنیا و آخرت را فراهم آورد. در این نوشتار با تکیه بر این نکته، به بررسی مسائل مستحدثه و جایگاه آن در فقه اسلامی پرداخته شده است. تعریف مسائل مستحدثه، بیان نمونه‌هایی از این مسائل در موضوعات مختلف، و بیان قوانین و قواعد کلی که می‌تواند مرجع و مستند بسیاری از مسائل مستحدثه باشد، مباحثی است که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است. و در پایان به مهمترین عنوانی که می‌تواند حلال بخش قابل توجهی از مسائل مستحدثه باشد یعنی «عناوین ثانویه» پرداخته شده است، لذا ضمن تعریف این عناوین، و بیان اقسام آن، نقش عناوین ثانویه در پویایی و شکوفایی فقه اسلامی مورد پژوهش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فقه، پویایی، مسائل مستحدثه، عناوین ثانویه.

مقدمه

شکی نیست که جهان پیوسته در حال دگرگونی و تغییر است و دامنه این تغییرات آن قدر گسترده و وسیع است که فیلسوفان و حکیمان گفته‌اند: «تغییر و تحوّل لازمه ذاتی جهان مادی است و هیچگاه از آن جدا نمی‌شود»^۱ سهم انسان بعنوان مخلوق برتر و موجودی مختار و صاحب فکر و اندیشه از این تحوّل و دگرگونی بمراتب بیشتر است. پیشرفت‌های محیر العقول بشری در هر عصر و زمان باعث شده است سبک و سیاق و روش زندگی گذشته‌اش بطور کامل تغییر یافته و زندگی به روش سابق تقریباً برای او غیر ممکن گردد. امروزه اسب‌های سواری و جنگی جای خود را به هواپیما و ماشین و نفربر، و شمشیر و نیزه و کمان جای خود را به تفنگ و توپ و تانک داده است، و پست و تلگراف و تلفن و اینترنت و ماهواره جایی را برای پیک‌های نام‌رسان و جارچیان باقی نگذاشته‌اند. جوامع بشری امروز طوری با هم مرتبط شده‌اند که همانند یک دهکده کوچک بلافاصله از احوال همدیگر مطلع می‌شوند.

۱- علامه طباطبایی، محمد حسین، نه‌ایه الحکمه ۳۲۳

از طرفی دیگر ما معتقدیم که اسلام عزیز به عنوان آخرین شریعت آسمانی و پیامبر عظیم الشان آن بعنوان آخرین فرستاده الهی از جامعیت، کمال، جهان شمولی و جاودانگی برخوردارند، و خداوند دینش را برای ما فرزندان آدم، کامل و نعمتش را بر ما تمام نموده است.^۲ آیات فراوانی از قرآن کریم بر این مطلب دلالت دارند مثل آیه ۱۵۸ سوره اعراف: «بگو ای مردم من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم»، و آیه ۱۰۷ سوره انبیاء: «و ما تو را نفرستادیم مگر بعنوان رحمت برای همه جهانیان»، و نیز آیات: نودم سوره انعام، بیست و هشتم سوره سبأ، یکم سوره ابراهیم، یکم سوره فرقان، چهلیم سوره احزاب، سوم سوره مائده، بیست و هفتم سوره کهف و... در سنت نیز روایات فراوانی بر این نکته تصریح دارند.^۳

امام خمینی(ره) درباره جامعیت شریعت اسلام می‌گوید: «اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شؤون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است، و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است»^۴

بدین خاطر تکلیف مسلمانان در موضوعات مختلف توسط شارع مقدس بیان، و سپس توسط امامان معصوم(ع) تبیین و تشریح شده است، آنگاه وظیفه ردّ فروع مختلف به اصول مقررّه، در مسائل جدید به عهده فقیهان نهاده شده است.

با توجه به نکات ذکر شده، فقه امروزی با دو پدیده جدید روبرو می‌باشد که باید برای حل آنها چاره اندیشی نماید:

الف) در عصر ما موضوعات جدیدی پیدا شده‌اند که سابقاً اثری از آنها نبوده است، مثل: پول و چک‌های اعتباری که در معاملات، جای طلا و نقره مسکوک را گرفته‌اند، و نیز مانند معامله مکتوب و تلفنی و اینترنتی که احیاناً جایگزین معاملات صیغه‌ای و معاطاتی می‌شوند، و...

ب) برخی موضوعات سابقاً نیز وجود داشته‌اند ولی گذشت زمان و پیشرفت بشر قیودی را به این موضوعات افزوده است که نمی‌تواند متعلق حکم سابق قرار گیرد، مثلاً در زمان صدور روایات، اعیان نجسه مانند خون، ارزش نداشته و از مالیت برخوردار نبوده‌اند، اما کم کم با پیشرفتی که در زمینه علم پزشکی حاصل شد، خون و فرآورده‌های خونی از ارزش والایی برخوردار شد به طوری که عقلاً در برابر آنها پول زیادی خرج می‌کنند. پس در عصر ما خون به عنوان یکی از اعیان نجسه، هم ارزشمند است و هم از مالیت برخوردار می‌باشد.

لذا انتظار می‌رود فقیه امروزی با استناد به اصول و قواعد مقررّه در استنباط احکام شرعی، حکم این‌گونه موضوعات را که در کتاب‌های فقهی گذشتگان اثری از اینها دیده نمی‌شود، استخراج نماید.

هدف از این مقاله، تعریف مسائل مستحدثه، بیان نمونه‌هایی از این مسائل در موضوعات مختلف، و نیز بیان قاعده‌های کلی است که می‌تواند مرجع مسائل مستحدثه باشد.

۲- تعریف مسائل مستحدثه:

کلمه مستحدثه از ماده «حدث» به معنای نو و جدید است، و مقصود از مسائل مستحدثه در فقه: مسائل و موضوعات جدیدی است که اقتضای حکم شرعی جدید دارد، البته این موضوع و مسأله ممکن است کاملاً جدید باشد و هیچ‌گونه سابقه‌ای در گذشته نداشته باشد مانند: پول و چک‌های اعتباری که امروزه در معاملات رایج شده است، یا ممکن است سابقاً وجود داشته است ولی در بعضی از قیود آن تغییراتی به وجود آمده است که حکم شرعی سابق نمی‌تواند بر آن بار شود مثل: ارزش و مالیت پیدا کردن برخی اعیان نجسه مانند خون و مردار.

۳- نمونه‌هایی از مسائل مستحدثه:

در عصر ما با توجه به تغییرات و پیشرفت‌های بوجود آمده، مسائل مستحدثه بسیار زیاد و متنوع است بطوری که شمارش آنها کار آسانی نیست، لکن در این نوشتار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در عبادات، مثل:

۱. کیفیت نماز خواندن و روزه گرفتن در مناطق قطبی، و کشورهایمانند «سوئد» که شب و روز متعارف ندارند چگونه است؟
۲. در سفرهای فضایی، تکلیف نماز و روزه چیست؟ در آنجا صبح و ظهر و شب وجود ندارد، پس چند بار و چگونه باید نماز خواند؟
۳. اگر کسی نماز ظهرش را خوانده و با هواپیمای سریع السیر به مکانی برسد که هنوز وقت ظهر شرعی در آنجا نرسیده است، آیا باید یک بار دیگر نماز ظهر را بخواند یا اینکه همان نماز اول کفایت می‌کند؟

۲- قرآن کریم، آیه سوم سوره مبارکه مائده

۳- نک: البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری ۴ / ۱۹۶ - مصطفوی، سید جواد، ترجمه اصول کافی ۳ / ۲۹ - شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه ۱ / ۱۵ و ۲۷ / ۱۶۹

- نهج البلاغه، خطبه اول - مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار ۲۴ / ۳۷۳

۴- امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور ۲۱ / ۱۷۶

۴. اگر کسی مثلاً از ایران در ایام ماه مبارک رمضان به مکه برود و در آنجا سی روز روزه گرفته باشد و وقتی که به ایران برگشت هنوز یک روز از ماه رمضان باقی مانده باشد،^۵ آیا بر او واجب است آن روز را هم روزه بگیرد؟ یا با توجه به اینکه یک ماه کامل روزه گرفته است، دیگر روزه روز سی و یکم بر او واجب نیست؟
۵. کسی که نذر کرده مثلاً روز عید غدیر را روزه بگیرد، اگر در وطن خود آن روز را روزه گرفته و بعد از ظهر همان روز به جایی برود که فردا در آنجا عید غدیر (هیجدهم ذی الحجه) است، آیا بر او واجب است در آنجا هم روزه بگیرد؟
۶. آیا روزه‌دار می‌تواند از راه تزریق، مواد غذایی یا داروهای تقویتی به بدن برساند؟
۷. آیا استعمال دخانیات روزه را باطل می‌کند؟
۸. آیا طواف کردن از طبقات اول و دوم مسجد الحرام در صورتی که فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم(ع) را در طواف شرط ندانیم، صحیح است؟
۹. با توجه به توسعه مسعی، و نیز طبقاتی شدن آن، آیا سعی نمودن در همه فضای موجود صحیح است؟ سعی در طبقات بالا چطور؟
۱۰. اخیراً جمرات سه‌گانه از نظر طول و عرض و ارتفاع، افزایش قابل توجهی یافته است، همچنین چند طبقه برای رمی جمرات احداث شده است، آیا اصابت سنگریزه‌ها به هر کجای جمرات کنونی صحیح است؟ حکم رمی و سنگ انداختن از طبقات بالا چیست؟
۱۱. در عصر ما که غالباً گوشت قربانی در حج، دفن یا سوزانده می‌شود آیا چنین قربانی که مصداق بارز اسراف و تبذیر می‌باشد جائز است و شارع مقدس چنین کاری را می‌پسندد؟^۶
۱۲. آیا زن می‌تواند برای تأخیر انداختن عادت ماهانه جهت انجام طواف و نماز و گرفتن روزه، از قرص ضد بارداری و امثال آن استفاده نماید؟
۱۳. آیا معیار در تحقق مسافت شرعی برای مسافر، پیمودن افقی زمین است؟ یا اینکه با سیر عمودی در فضا نیز مسافت شرعی محقق می‌شود؟
۱۴. آیا برای اثبات اول ماه، رؤیت هلال با چشم مسلح به ابزار جدید مثل تلسکوپ کفایت می‌کند؟ یا اینکه حتماً باید با چشم غیر مسلح، هلال ماه را رؤیت نمود؟^۷
- و در معاملات، مثل:
۱۵. حکم پول‌های رایج در عصر ما جهت انجام معاملات چیست؟ آیا احکامی مثل زکات، ربا و مضاربه که بر نقدین (طلا و نقره مسکوک) بار می‌شده‌اند در خصوص این پول‌ها نیز جاری می‌شوند؟
۱۶. معامله با بانک‌ها که غالباً گرفتار ربا هستند چه حکمی دارد؟ آیا قانون بانکداری اسلامی که بطور صوری و فرمالیته عمل می‌شود می‌تواند مشکل معاملات ربوی را برطرف نماید؟
۱۷. حواله‌های بانکی یا تجاری که به آنها «صرف برات» می‌گویند چه حکمی دارد؟
۱۸. خرید و فروش چک و سفته، و نیز معاملات با آنها چه حکمی دارد؟
۱۹. حکم اقسام بیمه‌ها (بیمه عمر، آتش‌سوزی، از کار افتادگی، سرقت و...) چیست؟
۲۰. حکم شرکت‌های جدید هرمی مثل گلدکوئیست و امثال آن چیست؟
۲۱. سودی که صندوق‌های قرض الحسنه در مقابل پرداخت وام بعنوان کارمزد از وام‌گیرنده دریافت می‌کنند چه حکمی دارد؟ و آیا این صندوق‌ها می‌توانند بخشی از پس‌اندازهای مردم را که در نزد آنها نگهداری می‌شود به کارهای تجاری یا تولیدی اختصاص دهند؟
۲۲. سرقفلی که عبارت است از حق اولویتی که مستأجر بر ملک پیدا می‌کند بخاطر پولی که به مالک در اول کار می‌پردازد، آیا قابل معاوضه است؟ و در فرض صحت، چه شرایطی دارد؟
۲۳. افرادی که به استخدام دولت یا برخی شرکت‌ها و مؤسسات در می‌آیند و ماهانه حقوق دریافت می‌کنند چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه این استخدام که در واقع نوعی عقد اجاره است، از چند جهت مجهول است: الف) از جهت مدت استخدام، زیرا زمان بازنشستگی افراد مختلف است. ب) از جهت مقدار و مبلغ حقوق، چون به حسب زمان و مکان خدمت، حقوق متفاوت می‌شود. ج) از جهت تعداد روزهای کارکرد، زیرا مرخصی‌های استعلاجی و تشویقی و... مدت زمانش مشخص نیست. در حالی که جهل در موارد اجاره موجب بطلان عقد اجاره می‌شود.

^۵- برای نگارنده عملاً این مسأله اتفاق افتاده است

^۶- مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه ۲۱۳

^۷- نک: آیه الله مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه ۲۴۱

۲۴. حق بازنشستگی که به کارمندان بعد از بازنشسته شدن پرداخت می‌شود، با توجه به اینکه معمولاً مقدارش مشخص نیست، چه حکمی دارد؟
۲۵. آیا مضاربه فقط با طلا و نقره مسکوک صحیح است یا اینکه با هرگونه مالی مضاربه صحیح است؟ و آیا سرمایه‌گذاری در مضاربه فقط باید در امور تجاری باشد، یا اینکه سرمایه‌گذاری در امور تولیدی مثل: صنعت، کشاورزی، دامداری و... نیز صحیح می‌باشد؟
۲۶. خرید و فروش بلیط‌های بخت‌آزمایی و امثال آن چه حکمی دارد؟
۲۷. با توجه به اینکه نیروهای رزمنده در عصر ما حقوق بگیر دولت هستند و مخارج و تجهیزات آنها توسط دولت تأمین می‌گردد، حکم غنیمت‌هایی که در جنگ‌ها به دست می‌آید چیست؟
۲۸. آیا جاری کردن عقود از طریق تلفن، اینترنت، رادیو و تلویزیون صحیح است؟ و در فرض صحت، تکلیف خیار مجلس چیست؟ همچنین آیا اقرار از این طریق پذیرفته است؟
۲۹. آیا مالکیت معنوی (مثل حق تألیف، حق اختراع و اکتشاف، حق آثار هنری و...) قابل پذیرش است؟ یا اینکه مالکیت فقط در اعیان خارجی وجود دارد؟
۳۰. آیا شخصیت حقوقی نیز همانند شخصیت حقیقی می‌تواند مالک باشد؟
۳۱. اجاره‌های متعارف در زمان ما که مبلغی را بعنوان قرض الحسنه (رهن) از مستأجر دریافت می‌کنند که این مبلغ در تقلیل مبلغ اجاره تأثیر می‌گذارد، چه حکمی دارد؟
۳۲. اگر خسارت ناشی از جنایت بیش از مبلغ دیه باشد، مثلاً: اگر کسی به یک چشم مردی طوری آسیب برساند که ترمیم و معالجه آن بیش از پانصد دینار هزینه داشته باشد، آیا هزینه‌ی مازاد بر عهده‌ی جانی است؟
۳۳. ذبح‌های صنعتی چه حکمی دارند؟ تکلیف مباشرت، استقبال و تسمیه در آنها چیست؟
۳۴. جنایات ناشی از تصادفات ماشین و موتور سیکلت از کدام نوع جنایت محسوب می‌شوند: عمد، شبه عمد یا خطای محض؟ یا اینکه باید فرق گذاشت بین سرنشینانی که قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کنند و بین آنهایی که رعایت نمی‌کنند؟
۳۵. حکم تخریب خانه‌ها، مدارس، مساجد و حسینیه‌هایی که در مسیر احداث خیابان قرار دارند چیست؟ و در فرض جواز، آیا مسجدی که تخریب شده است، احکام مسجد (مثل: عدم جواز تنجیس و عدم جواز توقف جنب) بر آن بار می‌شود؟
۳۶. آیا تغییر جنسیت جائر است؟ و در فرض وقوع، تکلیف زوجیت و احکام آن چیست؟
۳۷. استفاده از برنامه‌های مختلف رادیو و تلویزیون مثل: شنیدن موسیقی، غنا، صوت اجنبیه، و دیدن افرادی که پوشش کافی ندارند و... چه حکمی دارد؟ آیا بین برنامه‌های زنده و غیر زنده تفاوتی وجود دارد؟
۳۸. حکم استفاده از ماهواره و اینترنت چیست؟
۳۹. تشریح که عبارت است از شکافتن بدن و قطع برخی اعضای میت با هدف آموزش به دانشجویان علوم پزشکی و دستیابی به اطلاعات پزشکی برای معالجه بیماران و نجات جان مسلمانان، چه حکمی دارد؟ آیا در جواز تشریح، فرقی بین میت مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد؟
۴۰. پیوند اعضاء (مثل: قلب، کبد، کلیه، چشم و...) چه حکمی دارد؟ آیا پیوند عضو زنده به زنده جائر است؟ آیا در فرض قطع عضو از میت، پرداخت دیه آن واجب است؟
۴۱. تلقیح و بارور نمودن زن، و حکم اقسام مختلف آن چیست؟ در هر صورت، اگر تلقیح انجام گرفت حکم فرزندی که از این طریق به دنیا می‌آید چیست؟
۴۲. حکم انتقال خون از مسلمان به کافر و بالعکس چیست؟ آیا خرید و فروش خون بدین منظور جائر است؟
۴۳. با توجه به حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «من به زیادی نسل شما امت مسلمان در برابر سایر امت‌ها افتخار می‌کنم»^۸، آیا کنترل جمعیت و جلوگیری از ازدیاد نسل مسلمانان جائر است؟ و در صورت جواز، از چه راههایی می‌شود برای جلوگیری از باردار شدن زنان مسلمان استفاده کرد؟
۴۴. آیا پیوند اعضاء کسی که مرگ مغزی شده و در کما قرار دارد به بدن افراد نیازمند به پیوند با توجه به اینکه پیوند مزبور باعث تسریع در مرگ او می‌شود، جائر است؟ و آیا صرف رضایت ورثه برای این امر کافی است؟
۴۵. در صورتی که وجود جنین برای مادر خطر آفرین بوده و سلامت او را تهدید نماید، آیا اسقاط آن جائر است؟ و در فرض جواز، در چه مرحله‌ای باید سقط جنین انجام شود؟

۴۶. با توجه به تجهیزات پزشکی فوق مدرن امروزی اگر تشخیص داده شود که جنین در رحم مادر، ناقص الخلقه است، و به دنیا آمدن چنین بچه‌ای جز رنج و درد و مشکلات برای خود، و مزاحمت برای اطرافیان چیزی به همراه نخواهد داشت، آیا در چنین فرضی سقط جنین جایز است؟

۴۷. با توجه به نظر پزشکان در خصوص پیدایش فرزندان معیوب و ناقص الخلقه در برخی ازدواج‌های فامیلی، آیا چنین ازدواج‌هایی جایز است؟^۹

۴۸. با توجه به اینکه آزمایش طبی قبل از ازدواج می‌تواند از تولد نوزادان هموفیلی و غیره جلوگیری نماید، آیا انجام این آزمایش‌ها قبل از ازدواج واجب است؟

۴۹. آیا بیماری‌هایی مثل ایدز و هپاتیت ... که در آنها امکان انتقال بیماری از طریق تماس جنسی وجود دارد، می‌تواند مجوز فسخ نکاح باشد.

۵۰. آیا فریز کردن فردی که می‌خواهد در آینده زندگی کند، جایز است؟ و در صورت جواز، با توجه به اینکه این شخص نه حیات ظاهری دارد و نه مرگ واقعی، حکم اموال و همسر او چیست؟^{۱۰}

۴- بیان قواعد کلی.

با توجه به اینکه مسائل مستحدثه ذکر شده و امثال آن، جدید است و در زمان صدور روایات اثری از این مسائل نبوده است، طبیعی است که نباید به دنبال نص خاص در مورد این مسائل باشیم، بلکه باید در جستجوی ادله شرعی دیگری باشیم که بتواند در بدست آوردن احکام این مسائل به ما کمک نماید. قبل از هر چیز ابتدا باید ببینیم آیا در فقه اسلامی قاعده‌های کلی وجود دارد که ارجاع مسائل مستحدثه به آنها را ممکن سازد؟

کسی که با فقه پویای مکتب اهل بیت (ع) آشنایی داشته باشد تصدیق می‌کند که در فقه اسلامی، قواعدی وجود دارد که می‌تواند مرجع بسیاری از مسائل مستحدثه باشد، مثل؛

الف) قاعده تأثیر زمان و مکان در اجتهاد، زیرا ممکن است زمان و مکان باعث تبدل موضوعات شوند که قهراً منجر به تبدل در حکم خواهد شد، و یا ممکن است تغییر زمان و مکان موجب شود که فقیه چشمش به مسائل جدیدی گشوده شود که در ظرف سابق برای او مجهول مانده بود.

ب) قاعده تمسک به عموماًت و اطلاقات، مانند: اوفوا بالعقود^{۱۱} و «أحلّ الله البيع»^{۱۲} و «تجارة عن تراض»^{۱۳} و «المؤمن عند شروطهم»^{۱۴} و «المسلمون عند شروطهم الاّ كل شرط خالف كتاب الله»^{۱۵}.

ج) قاعده انصراف اطلاق از برخی افراد و مصادیق که باعث می‌شود حکم مطلق در آن موارد جاری نشود.^{۱۶}

د) قاعده «کَلِمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ»

ه) قاعده «برائت» و «قبح عقاب بلا بیان» که باعث می‌شود در بسیاری از مسائل مستحدثه که منع شرعی و عقلی در آنها وجود ندارد حکم به جواز بنماییم.

لکن از این نکته نباید غافل شد که بسیاری از اوقات، مسائل مستحدثه در ضمن عناوین ثانویه قرار می‌گیرند که بازشناسی این عناوین می‌تواند حل خوبی برای مسائل مستحدثه باشد، لذا جا دارد در ادامه این نوشتار، ضمن تعریف عناوین ثانویه و بیان اقسام آن، نقش این عناوین را در پویایی و شکوفایی فقه اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

۵- تعریف عناوین ثانویه

عناوین ثانویه: عنوان‌هایی هستند که به موضوعاتی که دارای عناوین اولیه بوده‌اند عارض می‌شوند و باعث تغییر در حکم آنها می‌شوند.

^۹- نک: آیه الله مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه ۲۴۰

^{۱۰}- همان

^{۱۱}- قرآن کریم، آیه یکم سوره مائده

^{۱۲}- همان، بقره ۲۷۵

^{۱۳}- همان، نساء ۲۹

^{۱۴}- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه ۲۷۶/۲۱ - شیخ اعظم انصاری، مرتضی، مکاسب محرّمه ۵۶/۳

^{۱۵}- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه ۱۶/۱۸

^{۱۶}- آیه الله مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه ۲۵۷

به عبارت دیگر: عنوان مأخوذ در موضوع حکم، گاهی عنوان ثابت آن موضوع است با صرف نظر از عوارض و عناوینی که ممکن است عارض بر آن شود، چنین عنوانی را «عنوان اولی» گویند، ولی گاهی اوقات عنوان مأخوذ در موضوع، عوارض و عناوین جدیدی هستند که به موضوع ملحق شده و باعث تغییر حکم آن می‌شوند، چنین عنوانی را «عنوان ثانوی» گویند. مثلاً: گوشت مردار دارای عنوان ذاتی اولی است که حکم حرمت اکل بر آن بار می‌شود، ولی در عین حال ممکن است عناوین دیگری مانند «ناچاری برای خوردن گوشت مردار» بر آن عارض شود که باعث می‌شود حکم حرمت جای خود را به جواز اکل بدهد.^{۱۷}

مثال دیگر: لمس بدن نامحرم فی حد ذاته حرام و غیر جائز است، اما اگر عوارضی مانند نجات جان یا درمان بیماری بر این موضوع عارض شود، در ظرف وجود این عناوین، حکم جواز لمس جایگزین حرمت می‌شود.

۶- اقسام عناوین ثانویه

برخی گمان برده‌اند که عناوین ثانوی منحصر در موارد ضرورت و اضطرار است، ولی حق این است که دائرة این عناوین از چنان وسعتی برخوردار است که شاید احصاء و شمارش موارد آن کاری دشوار باشد، و ما در این مقال به برخی از مهمترین این عناوین اشاره می‌کنیم:

۱. عنوان ضرورت، مثل: ضرورت نگاه یا لمس نامحرم.
۲. عنوان اضطرار، مثل: اضطرار به خوردن مردار و نوشیدن شراب.
۳. عنوان ضرر رساندن به نفس، مانند: خوردن بیمار از غذای مباحی که برای او سهم مهلک باشد.
۴. عنوان ضرر رساندن به دیگران، مثل: کندن چاه فاضلاب در ملک خود و کنار دیوار همسایه که باعث نمناکی این دیوار و خسارت و ضرر همسایه می‌شود.
۵. عنوان عسر و حرج شدید، مثل: روزه گرفتن دختر نه ساله ضعیف الجثه و پیرمرد و پیرزن کهنسالگی که روزه برای آنها ضرر ندارد، ولی با روزه گرفتن به مشقت و سختی زیادی می‌افتند که عادتاً برای امثال آنها قابل تحمل نیست.
۶. عنوان مقدمه واجب، مثل: شرکت در راهپیمایی‌هایی که موجب حفظ و تقویت نظام اسلامی می‌شود، زیرا حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است.
۷. عنوان مقدمه حرام، مثل: استفاده و خرید و فروش اجناس ساخت رژیم صهیونیستی که باعث تقویت این رژیم غاصب و ادامه حیات نامشروع او می‌شود. حکم به تحریم تنباکو توسط میرزای بزرگ شیرازی نیز از همین قبیل بوده است.
۸. عنوان تقیه خوفی یا مداراتی، تقیه خوفی مانند: تکتف کردن (دست به سینه گذاشتن) و آمین گفتن در نماز و نیز غسل و شستن پاها به جای مسح آنها در وضو. و تقیه مداراتی مانند: سجده بر فرش در جماعت اهل تسنن.
۹. عنوان اعانه و کمک کردن بر انجام واجب، مثل: اعانه و کمک فرزند بر طاعت الهی و اطاعت پدر و مادر.
۱۰. عنوان اعانه بر ظلم و حرام، مثل دادن تازیانه به دست ظالم، یا فروش انگور به کسی که از آن شراب (خمر) بعمل می‌آورد.
۱۱. عنوان اهم و مهم، هنگامی که دو ملاک با هم تراحم پیدا کنند، عقل و شرع حکم می‌کنند به أخذ عنوان اهم و ترک عنوان مهم تا زمانی که تراحم ملاکین وجود داشته باشد، مثلاً: اگر نجات نفس محترمه متوقف بر تصرف در ملک غیر بدون اذن او می‌باشد، در این ظرف، حرمت تصرف در ملک غیر بدون اجازه مالک، جای خود را به جواز تصرف می‌دهد، چون نجات نفس محترمه در نظر شارع از اهمیت بیشتری برخوردار است.
۱۲. عنوان امر و نهی پدر و مادر. با توجه به اینکه (بنابر اقوی) اطاعت پدر و مادر در غیر معصیت الهی، شرعاً واجب است، امر آنها سفر مباح یا مستحب را واجب، و نهی آنها همین سفر را حرام می‌کند.
۱۳. عنوان نذر یا عهد یا قسم، مثل: نذر خواندن نماز شب که جای حکم استحباب نماز شب را به وجوب آن در ظرف نذر (یا عهد و قسم) می‌دهد.

۷- نقش عناوین ثانویه در پویایی فقه

با توجه به جهان شمولی و ابدی بودن شریعت مقدس اسلامی، این سؤال به ذهن می‌رسد که چگونه ممکن است قوانین ثابت اسلامی جوابگوی نیازهای متغیر و متفاوت بشری در طول قرون و اعصار باشد؟ در حالی که پیشرفت بشر به گونه‌ای است که قوانین ساخته دست بشر پیوسته در حال تغییر و دگرگونی است تا بتواند نیازهای آنان را تأمین نماید.

در پاسخ باید گفت: همان گونه که نیازهای اصلی بشر مثل: نیاز به تغذیه، پوشاک، مسکن، تفریح و سرگرمی، دانش، صنعت، زراعت و... ثابت و نا متغیر است و تنها طریقه اشباع این خواسته‌ها در ظرف‌های مختلف زمانی و مکانی تغییر پیدا می‌کند، قوانین شریعت اسلامی نیز این گونه است، یعنی: در اسلام، اصول کلی و قوانین جامعی وجود دارد که دارای شمول و وسعت بسیار گسترده می‌باشند که در طول قرون و اعصار عنوان‌های مختلف ثانوی بر آنها قابل تطبیق می‌باشند به طوری که هیچ واقعه و موضوعی را بدون حکم باقی نمی‌گذارند.

بنابراین، عناوین ثانویه و احکامی که بر آنها بار می‌شوند موجب حیات، شکوفایی، به روز بودن و پویایی شریعت جاودان و جهان شمول اسلام می‌شود. برای توضیح بیشتر به این مثال توجه کنید:

چنانچه قبلاً بیان شد بشر امروزی به گونه‌ای پیشرفت کرده است که زندگی با ابزار و وسایل قدیمی را عادتاً برای او غیر ممکن ساخته است. امروز دیگر نمی‌توان صرفاً از شتر و الاغ و قاطر و اسب برای حمل و نقل بار و مسافر استفاده کرد. در جوامع کنونی زندگی بدون برق و یخچال و کولر و تلفن و تلویزیون و رایانه و... محال عادی است. تصور کنید اگر کشوری تصمیم بگیرد مثلاً از برق استفاده نکند، چه اتفاق خواهد افتاد؟ آیا جز سیر به قهقری و عقب ماندگی و ذلت، چیزی دیگر در انتظار چنین کشوری خواهد بود؟

تنها ملتی رو به تکامل و پیشرفت خواهد بود که از اختراعات و اکتشافات جدید بشری استفاده مفید کرده و خود را به ابزار جدید علمی و صنعتی مجهز نماید. قرآن کریم می‌فرماید: «تا می‌توانید خود را قوی و نیرومند سازید»^{۱۸}. طبیعی است که تحقق چنین هدف و استفاده از ابزار و تجهیزات جدید ساخته دست بشر نیازمند به تمهید مقدمات و ایجاد زمینه برای بهره‌برداری از این تجهیزات است. امروز برای نقل و انتقال بار و مسافر نیازمند به بزرگراه، آزاد راه و خیابان‌های پهناور و وسیع هستیم، و خیابان‌های مال‌رو تنگ گذشته دیگر نمی‌تواند پاسخگو باشد، و رسیدن به این مقصود گاه مستلزم تخریب خانه‌ها و تصرف در املاکی است که صاحبان آنها اجازه تصرف نمی‌دهند. و از طرفی دیگر تخریب خانه مردم و تصرف در اموال آنها بدون اذن جائز نیست، پس چه باید کرد؟

اینجاست که عنوان ثانویه در قالب قاعده اهم و مهم به کمک ما می‌آید و می‌گوید: چون پیشرفت جامعه اسلامی و عزت مسلمین در نظر شارع از اهمیت بیشتری برخوردار است، لذا در فرض تراحم این دو ملاک، ملاک اقوی و اهم را أخذ نموده و حکم به جواز تصرف در ملک غیر می‌دهیم.

منتهی در استفاده از عناوین ثانویه، از دو نکته نباید غافل شد:

۱. برخی از عناوین ثانویه مثل: جواز خوردن مردار در زمان قحطی، اختصاص به حال ضرورت دارد و نباید این گونه عنوان‌ها را همانند عناوین اختیاری قلمداد کرد. به عبارت دیگر: عنوان ثانوی اضطراری برای حل برخی از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی قرار داده شده‌اند، بنابراین نمی‌توان در ظرف غیر ضرورت و اضطرار از آنها استفاده نمود.

۲. در استفاده از عناوین ثانویه باید دقت لازم را به خرج دهیم تا گرفتار افراط در بهره‌برداری از این عناوین نشویم، مثلاً نباید صرف مشکل بودن انجام یک واجب یا ترک یک حرام، ما را وادار به استفاده از این عناوین و ترک احکام اولیه نماید، زیرا تکلیف چنانچه از اسم آن پیدا است خالی از مشکل و سختی نیست، و الاً ممکن است مثلاً خانمی جهت تقاضای طلاق نزد حاکم شرع رفته و بگوید: شوهرم هنگام خواب یا هنگام خوردن و آشامیدن، فلان عادت بد را دارد که برای من قابل تحمل نیست، یا دانشجوی پسری بگوید: دوست دختر نداشته‌ام و مورد تمسخر دانشجویان قرار گرفتن برای من دشوار و غیر قابل تحمل است، یا کسی بگوید: گوش نکردن به غنا و موسیقی لهنوی برای من سخت و طاقت‌فرسا است، و...

بنابراین باید توجه داشت که استفاده از عناوین ثانویه مستلزم دقت فراوان است، و احتیاط در تشخیص مصادیق آن لازم و ضروری است، البته نباید این احتیاط منجر به تفریط و وسواس در استفاده از این عناوین شود.^{۱۹}

^{۱۸}- قرآن کریم، آیه ششم سوره انفال

^{۱۹}- نک: آیه الله مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه ۲۶۶

۸- نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطروحه، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. جامعه بشری پیوسته در حال پیشرفت، و نیازهای او در حال تجدیدپذیری است.
۲. اسلام بعنوان شریعت جاودان و جهان شمول متکفل ارائه دستورات و بیان احکام مختلف وضعی و تکلیفی برای رسیدن بشریت به سعادت دنیا و آخرت است.
۳. پیدایش موضوعات جدید و نیز تغییر عناوین برخی موضوعات، در فقه اسلامی مسائل جدیدی را بوجود آورده است که از آنها به «مسائل مستحده» تعبیر می‌شود.
۴. با توجه به پویایی فقه اسلامی، قواعد کلی و قوانینی در شریعت وجود دارد که می‌تواند مرجع و مستند بسیاری از مسائل مستحده باشد، مثل: تأثیر زمان و مکان در اجتهاد، تمسک به اطلاقات و عمومات، قبح عقاب بلا بیان و...
۵. عناوین ثانویه که عبارتند از عنوان‌هایی که به موضوعات دارای عناوین اولیه عارض شده و باعث تغییر حکم آنها می‌شوند، نقش مهمی در حل مسائل مستحده داشته، و زمینه حیات، شکوفایی و پویای فقه اسلامی را فراهم می‌آورند.
۶. در بهره‌برداری از عناوین ثانویه نباید دچار افراط و تفریط شویم، بلکه شایسته است با دقت لازم و رعایت جانب احتیاط، مصادیق این عناوین را شناسایی نموده و به مقتضای آن عمل نماییم.

منابع و مراجع

۱. انصاری، شیخ مرتضی (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ هـ)، کتاب المکاسب ج ۳، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۹ هـ.
۲. البخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ هـ)، صحیح البخاری ج ۴، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ هـ.
۳. خمینی، امام سید روح الله (م ۱۳۶۸ ش)، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۴. رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین (۳۵۹ - ۴۰۶ هـ) نهج البلاغه با ترجمه محمد دشتی، تهران، انتشارات زهد، ۱۳۸۱ ش.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین (م ۱۳۶۰ ش)، نهاية الحکمة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ هـ.
۶. عاملی، شیخ حرّ محمد بن الحسن (م ۱۱۰۴ هـ)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ هـ.
۷. مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۱ هـ)، بحار الأنوار، تهران، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۹۲ هـ.
۸. مصطفوی، سید جواد (۱۳۰۱ - ۱۳۶۸ ش)، ترجمه اصول کافی، تهران، انتشارات گلگشت، ۱۳۷۷ ش.
۹. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسة، بیروت، دار الجواد ۱۴۰۴ هـ.
۱۰. مکارم شیرازی، شیخ ناصر، بحوث فقهیة هامئة، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب(ع)، ۱۴۲۲ هـ.